

اگر شهود در زنا کمتر از چهار نفر باشند، آیا مورد حدّ قذف قرار می‌گیرند؟

حجت الاسلام والمسلمین علی شوشتری (قاضی دادگاه نظامی تهران)

مرحوم امام خمینی (ره) در مسئله دوازدهم از کتاب حدود «تحریرالوسیله» می‌فرماید: «لو حضر بعض الشهود و شهد بالزنا فی غیبه بعض آخر حد من شهد للفریة و لم ينتظر مجیء البقیة لاتمام البینه فلو شهد ثلاثة منهم علی الزنا وقالوا لنا رابع سیجیء حدوا»

یعنی، اگر بعضی از شهود حاضر شوند و در غیاب بعضی دیگر شهادت دهند بر این‌که فلانی زنا کرده، بلادرنگ حد افترا به آنان زده می‌شود و نباید حاکم منتظر شهود دیگر شود تا بیایند و شهادت را تکمیل کنند. بنابراین، اگر سه نفر شهادت دهند بر این‌که فلان شخص را دیدیم زنا می‌کرد و اضافه کردند که ما شاهد چهارم هم داریم که بعداً می‌آید، حاکم منتظر آمدن او نمی‌شود، بلکه آن سه نفر را حد قذف می‌زند. البته، این بدان معنا نیست که واجب باشد هر چهار نفر با هم شهادت دهند، بلکه اگر یکی یکی حاضر شوند و بین شهادت‌های آنان فاصله نیافتد نیز صحیح است و شهود حد قذف نمی‌خورند.

و نیز ماده (۷) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «شهود باید بدون فاصله زمانی، یکی پس از دیگری شهادت دهند؛ اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله برای ادای شهادت حضور پیدا نکنند، یا شهادت ندهند، زنا ثابت نمی‌شود. در این صورت، شهادت دهنده مورد حدّ قذف قرار می‌گیرد.» لازم به ذکر است که این ماده ترجمه مسئله دوازدهم کتاب حدود «تحریرالوسیله» مرحوم امام خمینی (ره) می‌باشد. اکنون به اصل مسئله می‌پردازیم.

الف) از نظر اجتماعی: دقت در آیه چهارم سوره مبارکه نور، اهمیت مسئله تهمت و افترا را به‌صورت رسا و کامل بیان فرموده. خداوند متعال پس از بیان حدّ زنا و نحوه اجرای آن، که به شدت بر زانی و زانیه شلاق زده شود، بلافاصله مجازات تهمت زندگان را نیز بیان می‌کند تا دستاویزی برای بی‌تقوایان نباشد و در هر جا و در هر زمان به افراد تهمت زنند و حیثیت و حرمت اشخاص و خانواده‌ها از این لحاظ در امان باشد و کسی جرأت تعرّض به آبروی مردم را پیدا نکند. آیه مذکور می‌فرماید:

«والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدۀ و لاتقبلوا لهم شهادةً

أبدأ واولئک هم الفاسقون الا الذین تابوا من بعدذلک واصلحوا فان الله غفور رحیم»

ترجمه: کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (برای اثبات این ادعا) نمی‌آورند، آنان را هشتاد تازیانه بزنید و هرگز شهادت آنان را نپذیرید که آنها فاسقند؛ مگر کسانی که بعد از آن توبه می‌کنند و جبران نمایند (خداوند آنها را می‌بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

شدت و سخت‌گیری الهی در آیات فوق بحدی است که سه مجازات برای تهمت‌زنندگان قایل شده‌است. باتوجه به اینکه جرایم در اسلام عموماً یک مجازات دارند، اولین مجازات آنان زدن هشتاد تازیانه؛ دومی، قبول نکردن شهادت آنان و سومی، فاسق بودن آنان است. در این زمینه روایات متعددی وجود دارد که آوردن آنها از حوصله نوشته ما خارج است. با این‌حال به یک نمونه از آنها اشاره می‌کنیم. امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید: «إذا اتَّهم المؤمن إياه أنماث الايمان من قلبه كما ينماث الملح فی الماء»؛ یعنی، هنگامی که مسلمانی برادر مسلمانش را به چیزی که در او نیست متهم سازد، ایمان در قلب او ذوب می‌شود، مثل نمک در آب.^(۱) و همچنین آیه شریفه ۱۹ سوره نور بر این مطلب تأکید دارد.

قبل از بیان مجازات تهمت‌زننده، با توجه به اهمیت موضوع، خداوند می‌فرماید، برای اثبات این ادعا، باید چهار شاهد بیاورند.

می‌دانیم که برای اثبات حقوق و جرایم در اسلام، بینة کافی است، که مصداق اکمل آن دو شاهد عادل است، حتی موضوع قتل با توجه به اهمیت آن، با بینة ثابت می‌شود؛ ولی در مسئله اتهام زنا، چهار شاهد مرد الزامی است.

(ب) از نظر فقهی: در اینجا از دو جهت می‌توان بحث کرد: ۱ - فریه چیست؟ ۲ - اگر شهود کمتر از چهار نفر عادل هم باشند باید حدّ فریه به آنان زده شود یا خیر؟

اما در مورد فریه، در مانحن فیه، همان قذف است که به عنوان یکی از جرایم، وفق آیه ۴ سوره مبارکه نور باید هشتاد تازیانه زده شود. قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به کسی.

به تعییری دیگر، قذف عبارت است از فحش و دشنامی که به زنا و لواط مربوط می شود.

اما در خصوص شهود کمتر از چهار نفر، همان طوری که گذشت، حضرت امام (ره) در “تحریرالوسیله” فرموده‌اند: اگر بعضی از شهود در غیاب یک نفر یا دو نفر از شهود دیگر حاضر شوند و شهادت به زنا بدهند، بخاطر فریه (قذف) به آنان حدّ زده می‌شود.

منظور این است که حتماً باید چهار شاهد مرد برای شهادت با هم حاضر شوند یا زمان شهادت بحدی کم باشد که بلافاصله پس از شهادت یک شاهد، شاهد دیگر خود را برساند و الاّ شهود حاضر باید حدّ بخورند. ایشان تفصیل هم فرموده‌اند که آیا اگر شهود، افراد موجه و عادل باشند باید حدّ بخورند یا تنها اگر شهود عادل نباشند باید حدّ بخورند؟ از اطلاق بیان ایشان به دست می‌آید که اگر عادل هم باشند باید به آنان حدّ زد؛ شهادت غیرعادل که پذیرفته نمی‌شود، آنان که حاضرند و شهادتشان پذیرفته شده ولی تعدادشان به حدّ تصاب چهار نفر نرسیده باید حدّ بخورند. در بحث شهادت، یکی از شرایط پذیرش شهادت، عدالت شاهد بیان شده است. هم‌چنین ایشان به اجماع شیعه استناد فرموده‌اند: «بلاخلاف فیه الاّ ما یحکی عن جامع ابن سعید و هو شاذ». یعنی، در این مسئله اختلافی نیست مگر آنچه که از جامع ابن سعید نقل شده و آن هم شاذ است. (مستندالتحریر، جلد هفتم و هشتم، صفحه ۶).

سپس به معتبره سکونی از امام صادق از پدرش (علیهماالسلام) استناد می فرماید.

«سکونی عن جعفر عن ابیه (علیهماالسلام) فی ثلاثه شهدوا علی رجل بالزنا فقال علی (علیه السلام)

این الرابع؟ قالوا: الان یجیی فقال (علیه السلام) حدّوهم فلیس فی الحدود نظر (نظره) ساعة»^(۲)

یعنی، امام صادق از امام باقر (علیهماالسلام) در مورد سه نفری که به زنا مردی شهادت دادند فرموده‌اند که امام علی (علیه السلام) فرمود: نفر چهارم کجاست؟ گفتند: الان می‌آید. حضرت فرمودند: آنان را حدّ بزنید؛ زیرا در حدود، درنگ نیست. هم‌چنین روایت عبادالبصری که: «و عنہ عن ابیه عن ابن محبوب عن قصیم بن ابراهیم عن عباد البصری، قال سألت ابا جعفر (علیه السلام) عن ثلاثه شهدوا علی رجل بالزنا و

قالوا: الان نأتی بالرابع قال: یجلدون حدّ القاذف ثمانین جلدۀ کلّ رجل منهم»^(۳)

یعنی، عباد بصری می‌گوید: از امام باقر (علیه‌السلام) در مورد سه مردی که به زنا ی مردی شهادت داده‌اند و می‌گویند چهارمین شاهد را الان می‌آوریم، سؤال کردم. حضرت فرمودند: هر کدام از سه شاهد را هشتاد تازیانه حد قذف کننده بزنید.

بعضی از بزرگان فرموده‌اند که شهرت فتوایی، جبران ضعف سند روایات را می‌کند؛ ولیکن در دلالت روایات اشکال هست؛ زیرا روایت می‌فرماید: بلاد رنگ به سه شاهد حد قذف بزنید؛ و حال آن که حد قذف، حق الناس است و باید مقذوف آن را مطالبه نماید. در اینجا مقذوف آن را مطالبه نکرده است و ابتدا به ساکن فرموده اند که باید به سه شاهد حد قاذف زده شود. سپس خود به این اشکال جواب داده‌اند که این اشکال وارد نیست؛ زیرا روایات، ظهور در این مورد ندارند. النهایه، می‌گوییم روایات به این مورد تعرض نکرده‌اند. (یعنی به مطالبه مقذوف توجه و تعرض نکرده‌اند.) انصاف این است که در این مسئله اشکالی نیست؟! ^(۴)

امام خمینی (ره) در “مستندالتحریر” می‌فرماید: «و یؤیده ما رواه الصدوق مرسلًا عن امیر المومنین (علیه‌السلام). قال: اذا كان في الحد لعل او عسی فالحد معطل.» ^(۵) یعنی، امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: اگر در اجرای حد، شاید یا امید هست باشد، پس حد تعطیل شده است. (یعنی اگر در اجرا درنگ کنیم حد تعطیل می‌شود.)

تحقیق در موضوع: دلایلی که بزرگان اقامه فرموده‌اند عبارتند از:

۱ - اجماع ۲ - روایات معتبره سکونی و عباد بصری و مرسله امام علی (علیه‌السلام).

اما اجماع، در چنین مواردی که به روایت استناد می‌شود، مدرکی است؛ یعنی فقها که ادعای اجماع نموده‌اند به همین روایات در زمان صدور فتوا استناد کرده‌اند؛ سپس به مرور زمان هر کدام به نوبه خود آن را بیان داشته‌اند. (خلاف)

ثانیاً خود آن بزرگان نقل فرموده‌اند که ابن سعید مخالف است و علامه در “مختلف” پس از اینکه می‌فرماید: «اما این که این سه نفر (کمتر از چهار) قذف کننده هستند و باید به آنان حد زد، دو نظر وجود دارد:

۱ - باید به آنان حد زد و روایات هم همین را می‌گویند. مالک و ابوحنیفه نیز همین را می‌گویند.

۲ - نباید به آنان حدّ زد؛ زیرا به لفظ، شهادت بر نسبت زنا داده‌اند. (یعنی شهادت به زنا داده‌اند، نه اینکه

نسبت به زنا باشد؛ یعنی آنان شاهدند، نه اینکه نسبت زنا به کسی داده باشند.)

بنابراین، حدّ بر آنان واجب نیست؛ مثل اینکه اگر چهار نفر شهادت بدهند و یکی از آنان از شهادت برگردد

به سه نفر باقیمانده حدّ زده نمی‌شود و این نظر پیش من خالی از قوت نیست و الاّ باعث می‌شود که شهود

از شهادت دادن امتناع نمایند. اگر ترک شهادت یک نفر جایز باشد لازمه‌اش این است که دیگران حدّ

بخورند، که از ادای شهادت امتناع می‌ورزند. مرحوم علامه، دلیل دیگری نیز می‌آورد. ایشان می‌فرمایند:

«صاحب ما گفته‌اند، اگر چهار نفر شهادت بدهند و شهادت یکی رد شود، به باقیمانده حدّ زده نمی‌شود و

فقط به همان شخصی که شهادتش رد شده حدّ زده می‌شود؛ چون آن سه نفر در اقامه شهادت زیاده روی

نکرده‌اند. (یعنی به حق شهادت داده‌اند) زیرا کسی از ضمیر دیگری خبر ندارد؛ شاید عذری برای اقامه

شهادت دارد که شهادت نمی‌دهد؛ پس حدّی برای آنها نیست و آنچه ذکر کردیم از امور باطنی است.»

مطلب مرحوم علامه را به تفصیل آوردیم تا بگوییم اولاً: اجماع مدرکی است؛ زیرا علامه فرمود: روایتی

می‌گوید حدّ باید زده شود. ثانیاً: مسئله اجماعی نیست؛ زیرا، لا اقل ابن سعید و علامه (ره) مخالفند. بنابراین،

اجماع قابل استناد نیست.

اما روایات - همان طوری که بزرگان فرموده‌اند - از لحاظ سند ضعیف می‌باشند و ضعف آنها به شهرت

فتوایی جبران شده است. سؤال این است که شهرت فتوایی از کجا به دست آمده، غیر از این که از همین

روایات است که این هم دور آشکار است. بنابراین به روایات هم نمی‌شود تکیه کرد. به علاوه، اشکال از لحاظ

دلالت نیز جدّی است؛ زیرا فقها اجماع نموده‌اند که قذف، حق الناس است و تا ذی حق مطالبه نکند اجرا

نمی‌شود؛ و در مانحن فیه، مطالبه مقذوف اصلاً نیامده است؛ پس چگونه می‌توان گذشت نمود؟ که روایات

متعرض این مورد نشده‌اند؛ مگر این که بگوییم این موارد خود حدّ جدیدی می‌باشند؛ اما به چه عنوان،

نمی‌دانیم؟! بنابراین، دلیلی مبنی بر این که بتوان به شهود کمتر از چهار نفر در باب زنا به عنوان قذف حدّ

جاری نمود، وجود ندارد. آیه شریفه هم ناظر به این جهت نیست؛ زیرا آیه می‌فرماید: **«وَالَّذِينَ يَرْمُونَ**

المحصنات ثم لم يأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلدة.....» یعنی، کسانی که به زنان محصنه اتهام ناروا می‌زنند و سپس چهار شاهد نمی‌آورند، به آنان (تهمت زننده) هشتاد تازیانه بزنید. نه اینکه به افرادی که خود شاهد بوده‌اند و دیده‌اند و تمام شرایط شهود و شهادت را دارند، ولی کمتر از چهار نفر می‌باشند، به آنان حدّ بزنید؛ مگر این که بگوییم اولاً: آنان با این که تمام شرایط شهود را دارند تهمت‌زننده هستند. به قول مرحوم علامه باید باب شهادت را در چنین مواردی بست؛ زیرا هیچ کس حاضر به شهادت دادن نخواهد بود و در این صورت است که حدود تعطیل می‌شود. ثانیاً: اگر احتمال صداقت و عدالت شهود را بدهیم مگر نه این است که الحدود تدرأ بالشبهات، حدود با وجود شبهه ساقط می‌شوند. بویژه که گفتیم در فرض شهادت شهود عادل، این فرض هم متصور است. اگر جرأت اظهار نظر مذکور را نداشته باشیم و بگوییم مخالفت با شهرت کار آسانی نیست، لااقل باید حدّ در ما نحن فیه را به شهادت شهود غیر عادل حمل نماییم؛ زیرا فربه و قذف در افرادی که عادل نیستند قوی است. در این صورت هم مطالبه مقذوف لازم است، که باید بگوییم روایات و شهرت فتوایی در اینجا ناظر به شهادت فساق و مطالبه مقذوف می‌باشد که مقذوف فی المجلس حاضر بوده، همانجا هم از حاکم مطالبه حق نموده است. والله العالم. در غیراین صورت، ناچار باید گفت، اصل برائت است و شهود کمتر از چهار نفر در صورت احراز شرایط شهود و شهادت نباید حدّ بخورند.

پی نوشت‌ها:

- ۱ - تفسیر نمونه به نقل از اصول کافی .
- ۲ - وسائل الشیعه، جلد ۱۸، حد الزنا، باب ۱۲، ح ۸، ص ۳۷۲.
- ۳ - وسائل الشیعه، جلد ۱۸، حد الزنا، باب ۱۲، ح ۹، ص ۳۷۳.
- ۴- تفصیل الشریعه، کتاب الحدود، ص ۱۰۴.
- ۵- وسایل الشیعه، ج ۱۸ ، ص ۳۳۶.